

اسلام شکل مساجد

مارتین فریشمان
ترجمه امیرحسین رنجبر

حمله‌ور شدند. (عرب واژه‌ای است مأخوذ از ریشه هابیر و یقیناً معنای آن بیابان‌گرد.) مهاجمان که ریشه و اصل و نسب عبرانی داشتند، بنیان‌گذاران تمدن باستانی سومر و بابل شدند. اعتقاد بر این است که اعراب به سرزمین‌های لم‌بزرگ مرکز و جنوب شبه‌جزیره آمدند و در آنجا سکن گزیدند. بعضی از اعراب عبرانی و تحت رهبری پوش (ع) بودند.

عبرانیان به دینی ایمان داشتند که پیامبرش موسی (ع) بود و موسی (ع) پیامبری که قبایل مختلف عبرانی را متحد کرده و به کیشی درآورده بود که مردم معتقد بدان را قوم برگزیده می‌دانست و بهوه خدای آن بود.

دو مفهوم بگانه‌پرستی و نبوت نقش کلیدی در فهم اسلام دارند.

زندگی پیامبر اسلام (ص)

حضرت محمد (ص) یکی از شخصیت‌ها و چهره‌های عظیم تاریخ است. او پیام‌آور این اعتقاد است که خدای به‌جز احد و واحد وجود ندارد. ایمان‌یافتن به دین او به‌سادگی شهادتی شفاهی بود مبنی بر آن‌که «نیست خدایی جز خدای احد و واحد و محمد فرستاده اوست.» حضرت محمد (ص) در سال ۵۷۰ میلادی در مکه به دنیا آمد. پدرش بازرگانی بود شریف به نام عبدالله که به هنگام تولد فرزند دلفانی را وداع گفته بود. بزرگ‌ترین تمدن‌های دنیای آن زمان عبارت بودند از:

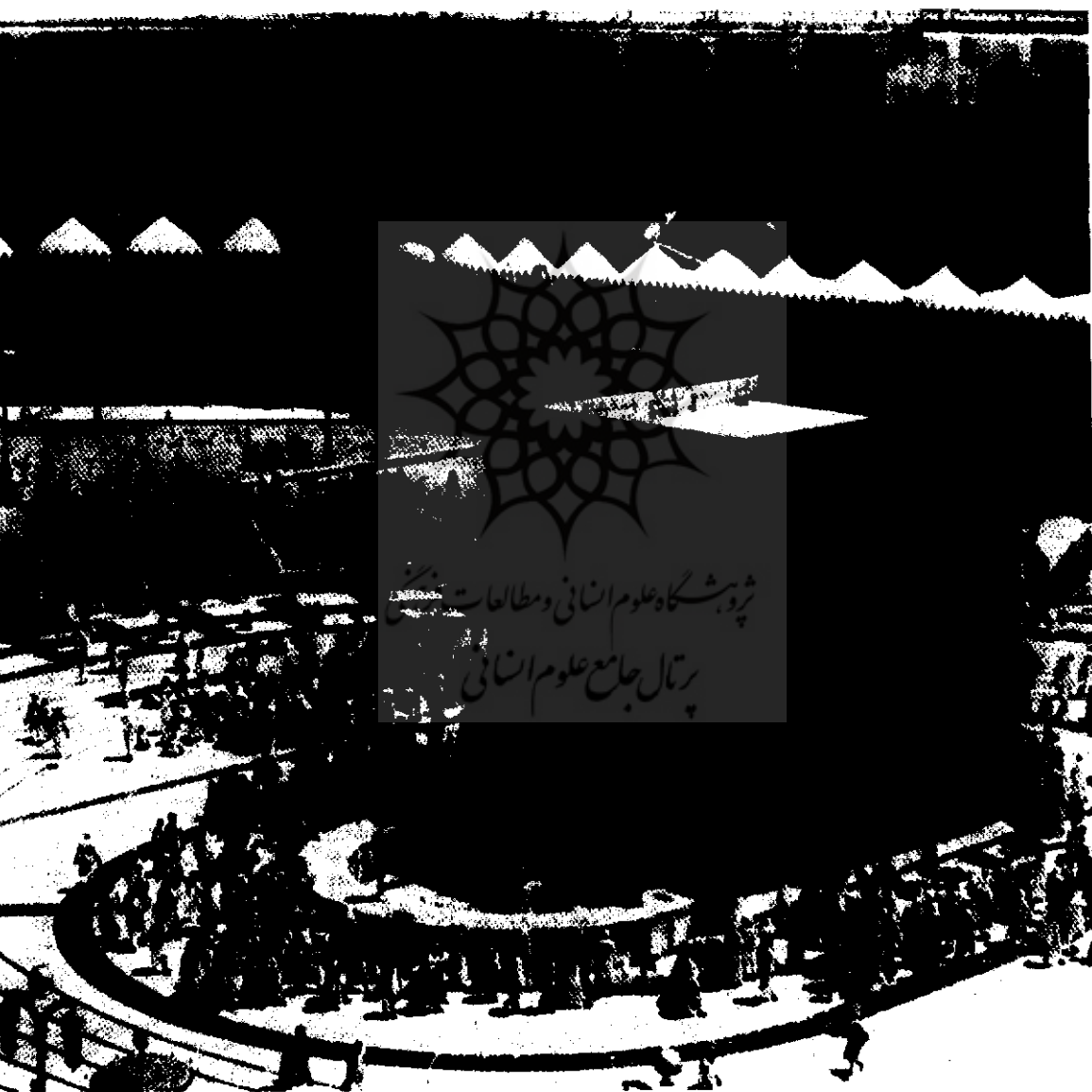
اسلام آخرین دین از ادیان عظیم توحیدی است که از پی یهودیت و مسیحیت از راه رسید. وقایع و شواهد تاریخی چنان است که می‌توان به مدد آن‌ها سرآغاز تاریخی اسلام و مسیحیت را دقیقاً مشخص کرد، اما در مورد یهودیت این کار آن‌قدرها آسان نیست.

برای نشان دادن آن‌که توحید و بگانه‌پرستی حاصل گونه‌ای تکاپ تاریخی درازمدت بوده است، شواهد چندانی در دست نداریم؛ لیکن ظهور دین زرتشتی در قرن ششم پیش از میلاد را می‌توان به‌منزله نخستین کوشش جدی در جهت تأسیس نوعی دین توحیدی مورد ملاحظه قرار داد. چنانچه بگانه‌پرستی را به معنای اعتقاد به یک خدای واحد در نظر بگیریم، از نظر تاریخی تنها به یک نمونه ماقبل یهودی برمی‌خوریم و می‌توانیم بدان استناد کنیم؛ یعنی مساجرای آخناتون (Achenaton) که تصمیم گرفت معبد خدایان را در مصر باستان ویران کند و تنها یک مفهوم را جایگزین تمامی خدایان آن معبد گرداند؛ این مفهوم آتون (Aton) بود، به معنای «خالق نوع بشر». اما این رویداد بیش از یازده سال نپایید و پس از مرگ آخناتون در ۱۳۶۲ پیش از میلاد مفهوم یک نیروی خلاقه واحد نیز از میان رفت و تا زمان موسی (ع) یعنی قرن‌ها بعد از آخناتون هیچ نشانی از آن دیده نشد.

در هزاره سوم پیش از میلاد قبایل هابیرون (Habiru) یا آپیرو (Apiru) که تقریباً همان اعراب هستند، به ساکنان بابل، مصر، فلسطین و سوریه

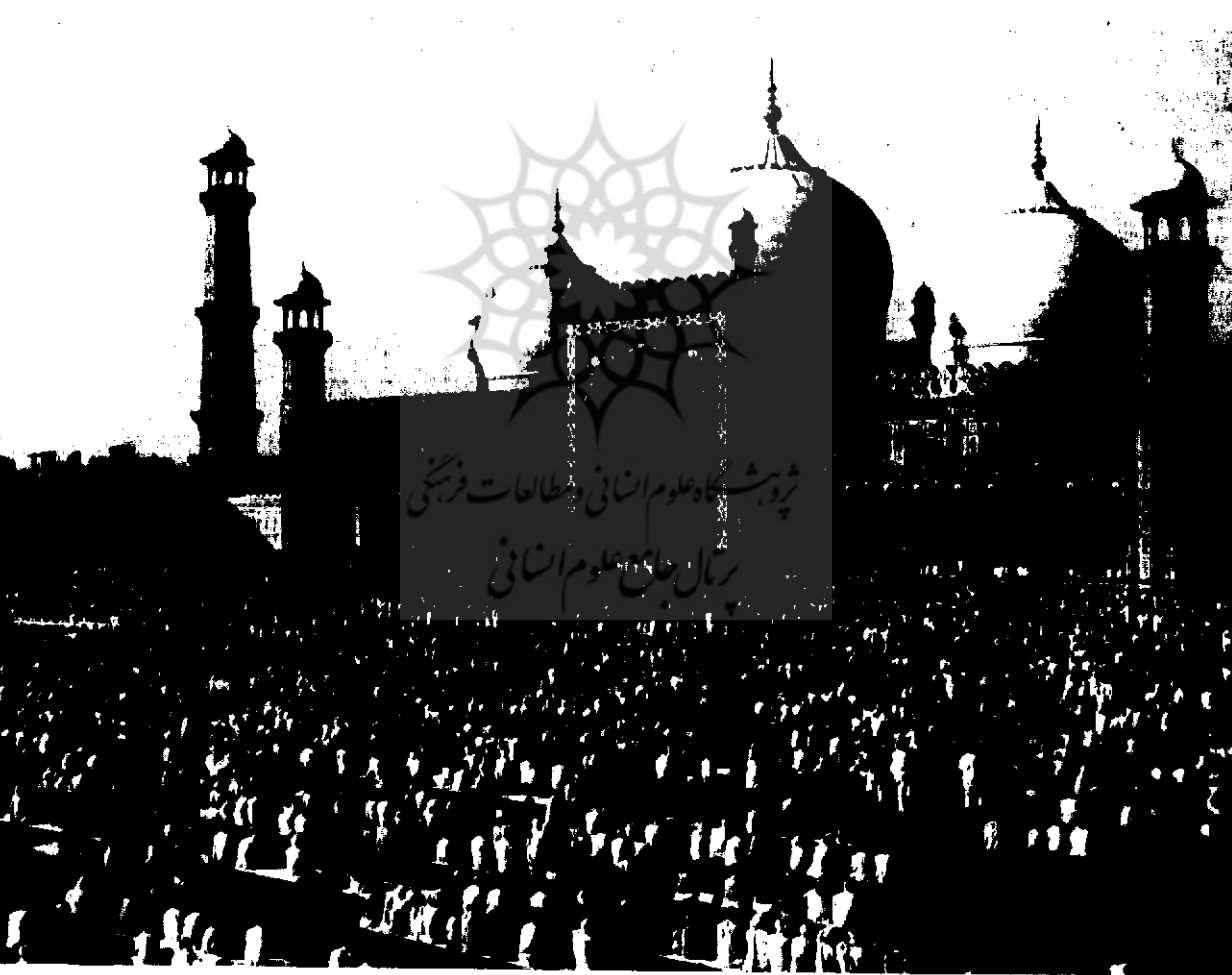
تمدن رومی، تمدن ایرانی و یمنی، مکه نیز مانند دیگر مراکز تمدن از موقعیت به خصوص برخوردار بود چه به لحاظ تجاری و چه از نظر فرهنگی؛ این شهر در واقع صحرا را به سرزمین‌های ساحلی متصل می‌کرد. دو عنصر تجارت و جنگ، حیات اجتماعی و اقتصادی عرب جاهلی را رقم می‌زد. اعراب بیابان‌گرد و

اعراب یکجانشین، پیمان‌نامه مدون با یکدیگر داشتند و بدین‌سان صحرای خالی را میان خود تقسیم کرده بودند. پیامبر اسلام (ص) به خاندان تجار تعلق داشت. تجار مکه که روابط تجاری حسنه‌ای با ایران و روم داشتند، سالی دو بار به شمال و به جنوب کاروان می‌فرستادند؛ قبله فریش که رسول خدا (ص) بدان



تعلق داشت بزرگی کاروان سالارِ مکه بود. نخستین همسرِ رسول خدا خدیجه (س) بود؛ او بیوه‌ای ثروتمند بود که با رسول خدا ازدواج کرد و تا هنگام وفاتش یعنی سال ۶۱۹ میلادی تنها همسر او بود.

ساکنان مکه عبارت بودند از: اعراب جاهلی و مشرک، یهودی‌ها و مسیحی‌ها. اعراب مشرک توجه چندانی به دین و وظایف دینی نداشتند؛ وظایف مذهبی آنان به قربانی‌کردن در اعیاد منحصر می‌شد. منحصر آن‌که یک عرب معتقد بود هرآنچه را می‌خواهد، خودش مسجد پادشاهی، لاهور، پاکستان.



به تنهایی و با کار و کوشش و بدون نیاز به خدا یا خدایان می‌تواند به دست آورد.

تولد اسلام

سال ۶۱۰ میلادی سال تولد اسلام است زیرا در آن سال بود که وحی بر پیامبر (ص) نازل شد یعنی فرشته وحی جبرائیل بر رسول خدا ظاهر شد و فرمان الهی را به وی القا کرد:

بخوان به نام خدایی که خلق کرد انسان را از خون بسته، بخوان و خدای تو کریم‌ترین است و خدایی است که با قلم آموخت، آموخت به انسان آنچه را نمی‌دانست.

(سوره هلق)

رسول خدا چهل ساله بود که نزول وحی آغاز شد و همین وی الهی بود که گردآوری شد و قرآن کتاب آسمانی مسلمانان گردید. قرآن توسط حافظان، حفظ گردید و یقیناً کمی پس از رحلت رسول خدا (ص)، کتابت شد؛ این کار در زمان خلیفه ابوبکر صورت گرفت و بعد در زمان خلیفه عثمان و با نظارت علی بن ابیطالب (ع) یعنی بین سال‌های ۶۴۴ و ۶۵۶ میلادی ترتیب آن مشخص گردید و به شکلی درآمد که امروز می‌بینیم و کتاب آسمانی تمام مسلمانان جهان است.

رسول خدا (ص) پس از آن‌که وحی به وی نازل شد اهل مکه را دعوت به ایمان کرد و از آنان خواست پرستش بجاها را کنار بگذارند و به خدای احد و واحد و نادیدنی ایمان بیاورند. این دعوت، دشمنان زیادی برانگیخت چنان‌که رسول خدا (ص) را ناگزیر از آن ساخت که مکه را به قصد یثرب ترک کند و در سال ۶۲۲ میلادی چیزی بالغ بر ۳۴۰ کیلومتر راه بیاماید. یثرب همان شهری است که بعدها مدینه‌النبی نام گرفت. این شهر، شهر رسول خداست که تا هنگام رحلت یعنی سال ۶۳۲ میلادی در آنجا اقامت کرد. سالی که رسول خدا به

مدینه مهاجرت کرد؛ (هجرت) در عالم اسلام نقطه عطفی است و تاریخ اسلام با آن سنجیده می‌شود؛ اگرچه رسول خدا پیام نبوت خود را ابتدا به شکلی خصوصی القا کرد اما در مدینه او نه تنها پیامبر دینی آسمانی گردید، بلکه از قدرت سیاسی و نظامی بسیاری نیز برخوردار بود. رسول خدا (ص) ایمان تازه‌ای القا فرمود مبنی بر آن‌که آخرین فرستاده خداست و با دین اسلام نبوت را ختم کرده است.

قرآن

از نظر مسلمانان و به اعتقاد آنان قرآن حاوی هرآن چیزی است که آدمی برای زندگی اهم از مادی و معنوی بدان نیاز دارد؛ بخشش تنها به واسطه لطف الهی صورت می‌گیرد و در صورتی شامل حال آدمی می‌گردد که عمر خود را وقف خدمت خداوند کند. دو راه در زندگی بیش‌تر وجود ندارد و هر دو راه نیز بر اساس اعتقاد کامل به روز و رستاخیز شناخته می‌شود؛ یکی راهی که به بهشت رهنمون می‌گردد و دیگری راه دوزخ.

متن قرآن منقسم می‌شود به سوره. هر سوره به بسم‌الله آغاز می‌شود؛ به نام خداوند بخشنده مهربان. نخستین سوره‌های مکی گواهی عظمت و رحمت پروردگار هستند و اشاره‌های فراوان به روز رستاخیز دارند؛ در حالی که سوره‌های مدنی بیش‌تر ویژگی کلامی دارند و به مسایل حقوقی و سیاسی-اجتماعی می‌پردازند.

غیر مسلمانان و غیر عرب‌زبانان درباره قرآن باور خام و ساده‌ای دارند مبنی بر آن‌که قرآن کتابی است حاوی یک سلسله دستورالعمل که مسلمانان چگونه باید در زندگی سلوک داشته باشند و به چه چیز باید ایمان بپورزند. این برداشت ناشی از سوء تعبیر معنای قرآن است که آن را صرف «خواندن» معنا کرده‌اند. معجزه قرآن خود قرآن است. بنا به گفته غزالی که از دانشمندان بزرگ اسلام در قرون وسطی است:

پایانی برای معجزات قرآن نیست، قرآن همواره هر آینه برای قاری قرآن تازه و با طراوت است. ترجمه‌های قرآن به زبان انگلیسی تا قرن ما معمولاً ناموفق بوده است؛ چرا که آن را مستقیماً «ترجمه ناپذیر» می‌انگاشتند.

پنج اصل بنیادین دین اسلام که اساس ایمان اسلامی را نیز رقم می‌زنند به قرار ذیل است:

۱ - شهادت: نیست خدایی به جز خدای احد و واحد و محمد (ص) فرستاده اوست. این کلام حداقل مرتبه ایمان است در حد اقرار به لسان و هر آن کس که این کلام را بر زبان بپراورد وارد دین اسلام شده است.

۲ - نماز: حکم چنان است که هر مسلمانی روزانه پنج وعده عبادت کند: صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء. هم چنین حکم شده که هر مؤمن بالغ کامل به جمع نمازگزاران پیوندد و نماز جمعه بر پای دارد.

۳ - زکوة: قرآن تأکید بر آن دارد که دادن زکوة رکنی از ارکان اصلی ایمان است. زکوة یعنی در سال یک مسلمان موظف است بخشی از مالش را به صورت نقدی یا جنسی در راه خدا انفاق کند. این کار موجب می‌شود که فقر در جامعه اسلامی کاهش پیدا کند و گواهی احساس مسئولیت اجتماعی مؤمنان است.

۴ - روزه: هر مؤمنی موظف است که در ماه مبارک رمضان روزه بگیرد. یعنی از خوردن، آشامیدن، سیگار کشیدن و روابط جنسی پرهیز کند. از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب.

۵ - حج: یا زیارت مکه. یعنی زادگاه رسول خدا و دیدار عمارت ابراهیم (ع) فریضه‌ای است برای هر مسلمان که حداقل یک بار در طول عمرش و در صورت استطاعت مالی انجام دهد.

حدیث

پس از قرآن مهم‌ترین منبع هدایت حدیث است. یعنی سیره یا گفتار پیامبر (ص). این قبیل اطلاعات از زندگی رسول خدا (ص) نوشته نشده چرا که نوشتن در آن روزگار در میان قوم عرب آن قدرها معمول نبوده است بلکه اطلاعات ما در این خصوص سماعی است. تفسیر و تعبیر این مجموعه سماعی بر عهده علمای الهیات و فقها است و سعی آنان بر این است تا در این میان حدیث صحیح را از حدیث سفیم تشخیص دهند. مسئله اصلی در نزد علما این است که سنت اگر به راستی تعقیب شود می‌تواند دنیای اسلام را چنان‌که شایسته است حفظ کند.

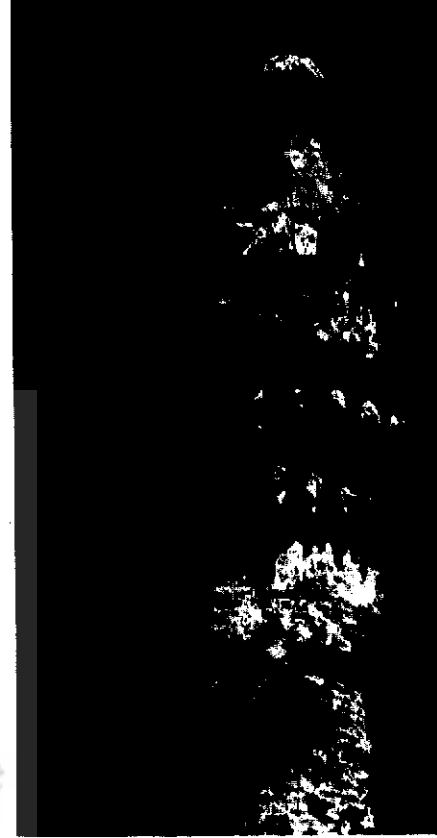
عقیده بر این است که اصولاً دو نوع وحی وجود دارد یکی در قالب قرآن تجلی یافته و دیگری به صورت حدیث بر جای مانده است. اما این نظر که این هر دو از نظر اهمیت یکسان‌اند و با هم برابرند نظری است که برخی علما مخالف آن هستند. خلاصه قرآن کلام خداوند است و بلافاصله پس از رحلت رسول خدا (ص) مکتوب و تنظیم گردید و حال آن‌که حدیث بیش از دو قرن نامکتوب بر جای ماند. تا پایان قرن سوم هجری شش مجموعه عظیم حدیث گردآوری شده بود. به هر حال احادیث صحیح از نظر علما از اعتبار زیادی برخوردار است و مرجعیتی عظیم پس از قرآن دارد. زیرا علما آن را بگانه میانجی لازم و معتبر برای درک قرآن می‌دانند.

شریعت

در عالم اسلام سومین مفهوم اساس شریعت یا قانون است. معنای اصلی واژه در زبان عربی عبارت است از: «راهی که به آب منتهی می‌شود» و بدین سان و در زمینه دینی یعنی طریق رسیدن به سرچشمه حیات. نخستین مسلمانان که همان بزرگان دین هستند، شریعت را بنیاد گذاشتند و قصدشان آن بود که بر اساس تعالیم قرآن و حدیث، نظامی حقوقی بسازند.

زنی در حال عبادت، دهلی نو.

گلدسته مسجدی در بمب.



گروهی از لاریان فرآند.



مسجد سلطان احمد، استانبول، (اوایل قرن
ہفدہم)



مقرنس، سردر سلیبستانہ، استانبول، قرن
شانزدہم.



مسجد برکوک، قاہرہ، دوران عباسیان، اواخر قرن ہ

بلند دروازہ، مسجد جامع، فاتح پور سیکری، قرن شانزدہم.

مسجد اعظم، سویل، قرن دوازدہم.

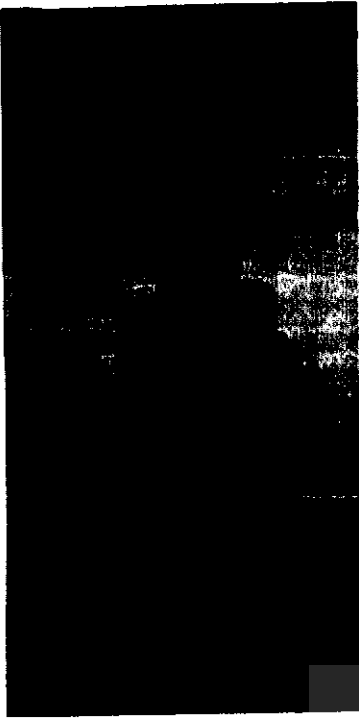




محراب مسجد جامعی در الجزائر.

از مؤمنان خبره بر سر نکته‌ای یا موضوعی به توافق می‌رسیدند. ادامه بحث را ممنوع می‌کردند. اما گام چهارمی نیز بود که راه را بر تفسیر فوری و استفاده از عقل باز می‌گذاشت و آن اجتهاد بود. در میانه قرن دهم میلادی بسیاری از محققان مسلمان اهل سنت اجتهاد را باطل اعلام کردند. از آن به بعد اگر پیشوایی (امام) مجبور می‌شد متنی را تفسیر کند آن‌هم برخلاف اصول اجماع مرتکب فعل مضموم شده بود که آن را بدعت می‌نامیدند.

بزرگان دین در درجه نخست منبع تحقیقات خود را برای شناختن این نظام حقوقی یعنی شریعت قرآن قویتر دادند و اگر در مواردی اختلاف نظر در تفسیر قرآن پیدا می‌شد به حدیث رجوع می‌شد. بدین سان بنیاد شریعت مبتنی بود بر یک سلسله اوامر و نواهی روشن و واضح و صریح. پس از گذشت زمانی نه چندان طولانی محققاً به این نتیجه رسیدند که شاید منبع قراردادن قرآن و حدیث نیز کافی نباشد و هم‌چنان اختلاف نظر به وجود آمد. بدین سان اصل دیگری به وجود آمد به نام اجماع به معنای توافق جمعی از مؤمنان. بنابراین وقتی جمعی



قاهره، مسجد احمد بن طولون، قرن نهم.

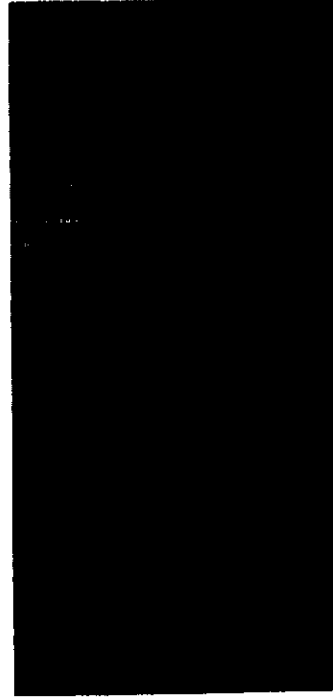


قاهره، مسجد امير كورماس، قرن شانزدهم.

ديار بكر، تركيه، قرن پانزدهم.

صنعا، يمن، مسجد الالكبريه، قرن شانزدهم.

مسجد كتيبه، قرن دوازدهم.





نیموکتو، مالی، قرن چهاردهم.



الجزایر: سبک صحران.



لاہور، مسجد وزیرخان، دورہ مغول، قرن ہفدہم.

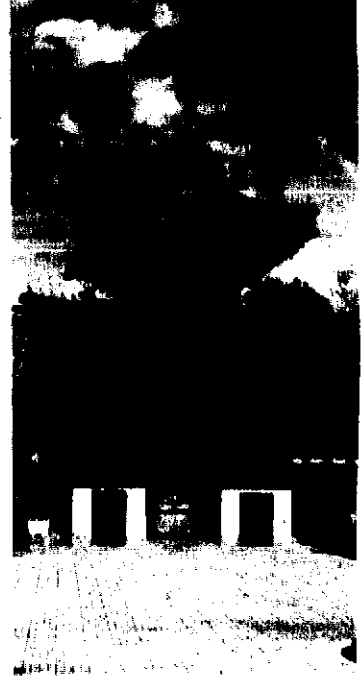
بخارا، ازبکستان، مسجد جامع، قرن شانزدهم.

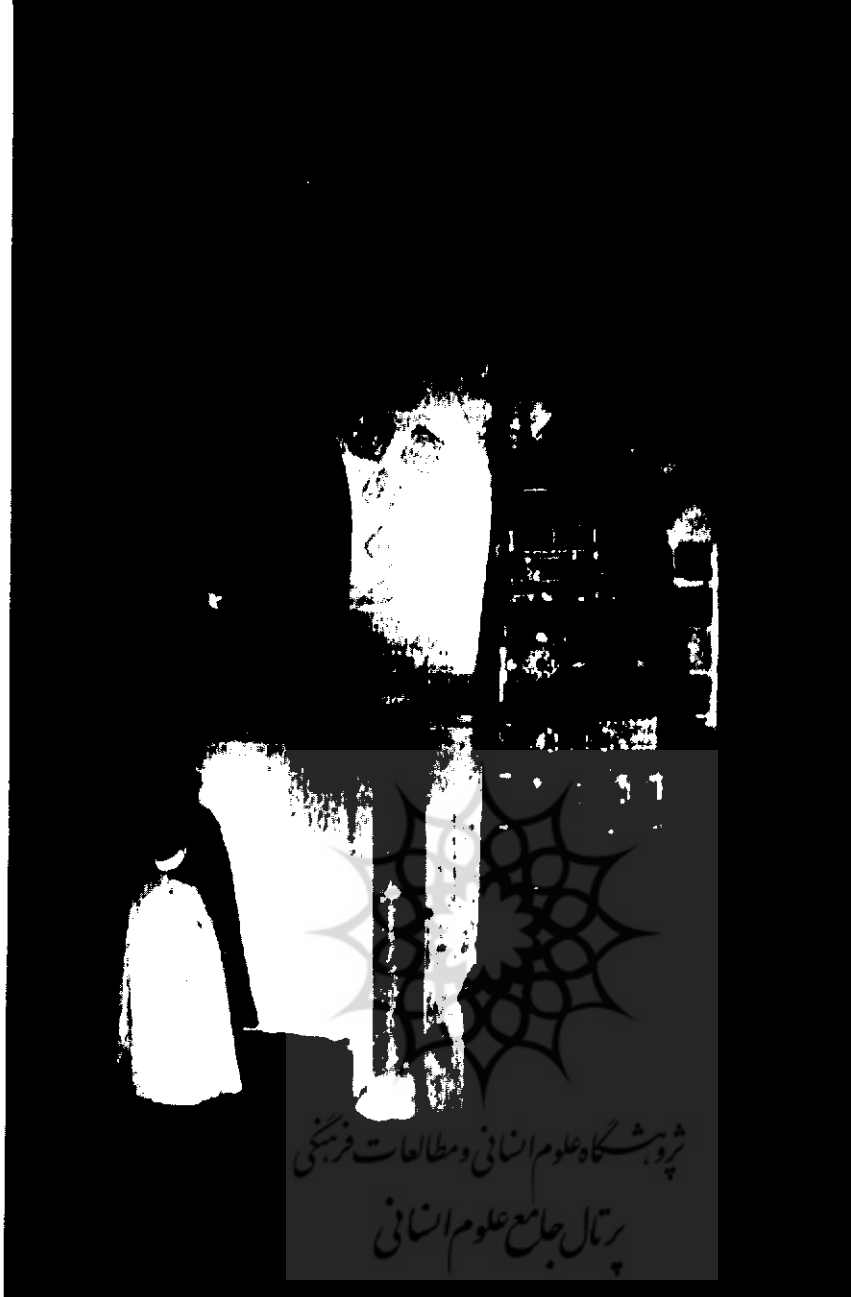


چین غربی، مسجد امین، قرن ہجدهم.



چین، مسجد نیوجی (Niuji), قرن چهاردهم.





سنت

اسلام برخلاف مسیحیت فائق به هیچ‌گونه سلسله‌مراتب در عالم روحانیت نیست. روحانیان اسلام به دو گروه عمده علمای الهیات (متکلمان) و فقها تقسیم می‌شوند. که در مجموع به هر دو گروه علما می‌گویند؛ در زبان عربی این واژه جمع عالم است و عالم یعنی کسی که

می‌داند. اگرچه ابن مردان دانا تحصیل می‌کنند و در مدارس دینی علوم مختلف دینی را می‌خوانند اما هرگز به‌صورت مرجعی از جزئیت دینی در نمی‌آید و این به‌خاطر همان اصل اجماع است؛ با توجه به واقعیت توافق نظر جمعی، نخستین قوانین دنیای اسلام مبنی بر احترام به آدابِ حَسَنَه پیشینیان بود؛ یعنی سنت. و از

همین جهت با استقبال هم مواجه شد. مهم‌ترین تقسیم‌بندی مذهبی اسلام بازمی‌گردد به دو مذهب سنی و شیعی. مذهب شیعی پیروان امیرالمؤمنین علی (ع) هستند که بر اساس شواهد تاریخی، چهارمین خلیفه پس از رسول خدا (ص) بود و حال آن‌که قائلان به مذهب شیعی در همین توالی خلافت بحث‌شان آغاز می‌شود. دیدگاه سنی قائل به آن است که خلیفه باید توسط شیوخ انتخاب شود و نیز باید از خاندان پیامبر (ص) باشد یعنی خانواده قریش. شیعیان معتقد هستند که هر خلیفه راستین باید از اهل بیت خود رسول خدا (ص) باشد. در میان کشورهای مسلمان، ایران تنها کشوری است که در ۱۵۰۱ میلادی یعنی در دوران فرمانروایی شاه اسماعیل اول، مذهب شیعی مذهب رسمی کشور گردید چنان‌که اعتقاد داشتند که تنها امامی که از اهل بیت خود پیامبر (ص) است استحقاق مرجعیت مسلمانان را دارد و او را نوراللهی و معصوم می‌انگاشتند. در مذهب شیعه معتقدند که پس از رسول خدا (ص) دوازده نفر از فرزندان او امامت را بر عهده دارند و آخرین آن‌ها در سال ۸۷۳ میلادی در سن طفولیت غیبت کرده و هم‌چنان منتظر بازگشت او هستند.

نکته اساسی که معماری مسجد را با طرح کلیسا در تقابل قرار می‌دهد، تقسیم‌بندی‌های مکانی است. در دنیای اسلام هر مکانی تصویر سبک‌شناختی خاص خود را دارد و این امر در نتیجه شرایط جغرافیایی و نیز مواد و مصالح در دسترس بوده است. نکته دیگر که معماری اسلامی را از جهت تاریخی در تقابل با کلیسا قرار می‌دهد آن است که فرقه‌های مختلف و مذاهب گوناگون اسلام هرگز تأثیری بر سبک و سیاق معماری نداشته است. در دنیای مسیحیت اصلاح مذهب و نهضت ضد اصلاح مذهب تأثیر بارزی بر معماری کلیسا داشته در حالی که مذاهب سنی و شیعه در عالم اسلام مساجد مختلف از جهت معماری را موجد نگردیده

است. تنها تفاوت عمده مساجد سنی و شیعه در تزیین مسجد است به نوعی که هر یک آیات قرآنی مورد علاقه خود را به خط خوش بر دیواره مسجد می‌نویسند و این برای کسی که عربی نمی‌داند تفاوت عمده معماری محسوب نمی‌شود. سرانجام باید گفت که در سراسر دنیای اسلام و فارغ از تقسیم‌بندی‌های مذهبی، مراسم عبادی در مسجد یک چیز است. اگرچه اجزای برساننده مسجد نه از جهت کارکرد و نه از نظر معنا هرگز تغییر نکرده‌اند لیکن شکل صوری آن‌ها (از نظر معماری) در طی خلافت عباسیان در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی دستخوش تغییر بنیادینی گردید.

وقتی خلافت عباسیان به پایان رسید قدرت نیز به دست تعداد کثری از شهرهای پراکنده دنیای اسلام افتاد. این تحول عظیم سیاسی موجب رشد سبک‌های معماری منطقه‌ای گردید که هرکدام ویژگی خاص خود را داشتند. اگرچه اصل و اساس معماری مسجد ثابت باقی ماند اما از جهت بیرونی و ظاهری صورت‌های مختلفی به خود گرفت. بهترین و ساده‌ترین تشبیه ممکن در این خصوص آن است که معماری مسجد را در عالم اسلام به درختی تشبیه کنیم که تا قرن یازدهم میلادی رشد کرد و تنومند شد و پس از آن شاخ و برگ‌های بسیاری پیدا کرد.

سرانجام به دو عاملی اشاره می‌کنم که بر طرح مسجد تأثیر به‌سزا داشتند و در عالم اسلام موضوع مباحثات وسیع و زنده‌ای بوده است. یک عامل که اصولاً به مباحث کلامی راجع می‌شود به ساده‌ترین شکل همان پرهیز از پدخت است. عامل دوم از سمت عالم اسلام سرچشمه می‌گیرد و پاسخ به این سؤال است که مردم مناطق مختلف دنیای اسلام تا چه حد محق هستند که در معماری مسجد با توجه به عناصر فرهنگی خودشان دخل و تصرف کنند.